

■ **احمد محمد تبریزی**

عملیات کربلای ۴ با نام و یاد شهدای غواص گره خورده است. هر گاه می‌خواهیم یادی از رشادت‌ها و دلاوری‌های غواص‌ها کنیم ناخودآگاه به یاد عملیات کربلای ۴ و مظلومیت و شجاعت آنها می‌افتیم. غواص‌ها در این عملیات به عنوان نیروی پیشرو وارد عمل شدند و توانستند خطوط دشمن را در هم بشکنند؛ کاری که سال قبل و در عملیات والفجر ۸ نیز به خوبی انجام داده بودند. سردار عبدالکریم علیزاده در دفاع مقدس مسئول آموزش غواص‌ها بود. علیزاده از غواص‌های باتجربه سال‌های نخستین جنگ است که به مرور مشغول آموزش و تربیت نیرو و برای عملیات‌های بعدی شد. او به واسطه نزدیکی به غواص‌ها به خوبی از روحیاتشان آگاه بود و گفتنی‌های زیادی از حضور و کنارشان دارد. علیزاده در گفت‌وگو با «جوان» کار بزرگ غواص‌ها در دو عملیات بزرگ کربلای ۴ و کربلای ۵ را تشریح می‌کند که در ادامه می‌خوانید.

آمادگی غواص‌ها برای انجام کربلای ۴ از چه زمانی آغاز شد و آمادگی‌شان در چه سطحی بود؟

کربلای ۴ به دلیل نزدیکی سواحل ما به سواحل دشمن و فشردگی منطقه عملیات و نزدیکی خطوط، تحت تأثیر فشردگی تردها و هوشیاری دشمن قرار گرفته و همین کار را خیلی برایمان سخت کرده بود. وقتی عملیات شروع شد فهمیدیم عملیات لو رفته است و مجبور شدیم عقب‌نشینی کنیم. البته باید گفت بسیاری از عملیات‌های قبل از آن با طنس و گمان لو رفتن انجام می‌شد و به نتیجه هم نمی‌رسید. مثلاً دشمن از انجام عملیات فتح‌المبین اطلاع داشت و خیلی چیزها را می‌دانست ولی ما عملیات را انجام دادیم و موفق شدیم و ۲۰ هزار اسیر هم گرفتیم. عملیات والفجر ۸ هم به طن و گمان خلی‌ها لو رفته بود اما عملیات را که انجام دادیم متوجه شدیم عملیات لو رفته است و دشمن را غافلگیر کردیم. کربلای ۴ عملیات بسیار حساس و حیاتی برایمان بود. سپاه یک سال برای این عملیات آمادگی ایجاد کرده و برای غواصان سنگ تمام گذشته شده بود. غواصان به درجه‌ای از آمادگی رسیده بودند که اطمینان داشتند از موانع و خط‌های دشمن عبور خواهند کرد و عیور هم کردند. آمادگی دشمن این بار خیلی فراموشگه‌ای بود و اطلاعات حساسی را کشور‌های اروپایی، شوروی و امریک‌ا به آتش یعت داده بودند.

برای اولین بار دو پیمان متخاصم بین‌المللی در حمایت از صدام و در دشمنی با ایران با هم متحد شده بودند. پیمان «ورشو» به رهبری شوروی و پیمان «اتو» به رهبری امریکا در حمایت از صدام به نتیجه رسیده بودند و از هیچ کمیتی دریغ نمی‌کردند. متناقض هم با تسلط بر جغرافیای ایران و از طریق وضعیت خاص نیروهایمان که بیشتر مردمی بودند، به مناطق عملیاتی نفوذ می‌کردند و اطلاعات به دشمن می‌دادند. با تمام این تفاسیر و سختی‌ها غواص‌ها عبورشان را انجام دادند و هیچ مشکلی از لحاظ آمادگی و ذهنیت بودند. ارتش یعت با استفاده از تله‌های ضد پیشروی سر راه نیروهای خط‌شکن ما در دنبال متوقف کردن عملیات بود. اعتقاد دارم با عملیات کربلای ۴ شکست ما نبود بلکه ما به اهداف بلندمان نزدیکیم. الان برخی فرمانده

غواص‌ها و کربلای ۴ و ۵ در گفت‌وگوی «جوان» با سردار «عبدالکریم علیزاده»

عملکرد غواص‌های ایرانی در تاریخ جنگ‌های کلاسیک کم‌نظیر بود



کربلای ۴ وارد عمل شدند؟

تعداد دقیق یگان‌ها را فرماندهی عالی جنگ اعلام کرده بود. لشکرهای خط‌شکن با استعداد و اراده بالا برای موفقیت وارد شدند و قصور یا کوتاهی در باره استفاده از نیروها مطرح نبود. یگان‌های خط‌شکن همه استعداد‌هایشان را به کار بردند و چند ساعت پس از انجام عملیات مشخص شد امکان پیشروی نیست و دستور عقب‌نشینی نیروها صادر شد. کربلای ۴ با تغییر روش‌ها و تاکتیک‌ها منجر به کربلای ۵ شد و کربلای ۵ ادامه کربلای ۴ است. در کربلای ۵ هم از غواص استفاده کردیم چون منطقه زیر آب بود. دشمن از ترس هجوم یگان‌های رزم سپاه و رزمندگان تمام مناطق را غرق آب و مین کرده بود. منطقه بازی نبود که تاکت و خودرو بتواند برود. ما به نیروهای پیاده و رزمی متکی بودیم و غواص‌ها امتحان خوبی در عملیات‌های گذشته پس داده بودند و در کربلای ۵ هم موفق شدند. یعنی‌ها برخی غواص‌های پیشرو و خط‌شکن را



شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

سخت و دشوار شوند… ما اول تصورمان این بود اگر واقعیت‌ها را روشن بگوییم، شاید داوطلب‌ها کم نشوند ولی وقتی ایسن کار را کردیم دیدیم نیروهای زیادی با جان و دل گفتند این خطرات را می‌پذیریم و وارد یگان غواصی می‌شویم. فکر می‌کردیم برای جذب غواص‌ها با مشکل مواجه نشویم،اما دیدیم آن‌قدر استقبال زیاد است و نیروها با عشق و علاقه می‌آیند که حاضر به کنار رفتن نیستند. غواص‌ها با اراده‌ای آهنین و استوار و عزم‌های جزم برابر دشمن با انگیزه بالا به آب و آتش می‌زدند. فرصت آموزش ما کم بود ولی اینها با عشق و علاقه تن به آموزش‌های سنگین می‌دادند. گاهی آموزشی که باید شش تا هشت ماه طول می‌کشید غواص‌ها در عرض یکی دو ماه با ۱۸ ساعت تمرین در روز و تحمل فشارهای سنگین بدون اینکه ابراز خستگی کنند، فرامی‌گرفتند. هر گاه ما کسی را علامت می‌زدیم که حذفش کنیم چنان باعلاقه بیشتری کار می‌کرد که مبادا به نیت خودمان برسیم. غواص‌ها مردانی با اراده‌ای محکم بودند و مقابل دشمن مقاومت می‌کردند. غواص‌ها کسانی بودند که با انگیزه تمام برابر دشمن قدم‌علم می‌کردند. به آب‌ر دن در شرایط سختی که صدها مسلسل و توپ روی ارونده ریخته می‌شد بسیار سخت و دشوار است. غواص‌ها طوری رفتار می‌کردند که انگار در یک منطقه امن می‌جنگند و با شکست خطوط به تعقیب دشمن هم می‌پردازند. اراده آنها واقعاً ستودنی بود. مردانی بودند که تاریخ را تحت تأثیر خودشان قرار دادند.

سختی کار غواص‌ها نسبت به نبر و‌های پیاده روی زمین چندین برابر سخت بود؟
غواص‌ها قبل از سختی‌های برابری با دشمن، با موانع و سختی‌های طبیعت دست به گریبان بودند. سردی آب، تاریکی شب و کمبود امکانات کارشان را سخت می‌کرد. همه رزمندگان داوطلب بودند. در حال حاضر برخی به دلیل کم‌رنگ کردن ایثار و شجاعت‌ها فرماندهان را مواظد می‌کنند که چرا چنین نکردید. آن زمان ما در محاصره اراده‌های پلید بوده و مجبور بودیم هر روزنه‌ای که به مقاومت بیشتر بینجامد را پیدا کنیم و کوتاهی نکنیم. غواص‌ها همانند دیگر نیروها هنگام مواجهه با دشمن عزم بالایی داشتند.

آیا غواص‌ها برای انجام شناسایی یا عملیات دست‌به‌ایتکار خاصی می‌زدند؟
شسیوه کار غواص‌های عملیات با غواص‌های اطلاعات متفاوت بود. غواص‌های اطلاعات باید در سکوت کار می‌کردند و می‌توانستند خودشان را از دید دشمن پنهان کنند و باید از اشنوگر استفاده می‌کردند. غواص‌های عملیات نیازی به اشنوگر نداشتند و به صورت یک تیم شناور روی آب بدون استفاده از قایق و شناورهای سبک از معابر عبور می‌کردند و مأموریت‌شان را انجام می‌دادند. غواص‌های عملیات باغواص‌های اطلاعات تفاوت‌های مختلفی کار می‌کردند و به همین میزان ابزارشان متفاوت بود. اطلاعات عملیات شرایط خوش را دارد و از چند ماه قبل از عملیات شب و روز باید کارهایشان را انجام دهند تا نقاط مدنظر را شناسایی کنند.

در عملیات کربلای ۵ خیلی از غواص‌ها نامی برده نمی‌شود. عملکرد غواص‌ها در این عملیات چگونه بود؟
در کربلای ۴ باید از اروند صغیر و کبیر و از دو جریان آبی رودخانه اروند عبور کرده ولی در

کربلای ۵ از مناطق آبگیر با قایق عبور می‌کردیم. غواص‌ها در عملیات حضور داشتند منتها با لباس رزمندگی بودند و اگر لازم می‌شد از لباس‌های غواصی استفاده می‌کردند.

یکی از نقاط قوت ما در دفاع مقدس وجود غواص‌های شجاع و آماده بود.

استفاده از غواصی در چنین عملیات‌هایی یک پدیده بی‌نظیر در تاریخ جنگ‌های کلاسیک بود. سابقه‌نداشت یک غواص این‌گونه عملیات عبور از رودخانه را انجام دهد. رودخانه اروند یک رودخانه وحشی است و جزر و مدهای خیلی بلند و تندی دارد. در هیچ جنگی به این صورت سابقه نداشته است این حجم از غواص استفاده شود. این ابتکار سپاه بود که از عملیات خبیر شروع شد، آن را در عملیات بدر ادامه دادیم و در عملیات والفجر ۸ به اوج خودش رسید. در خبیر از داشتن ۲۰ غواص هم ناامید بودیم. اگر آن زمان به این درجه می‌رسیدیم که ۵۰ غواص داشته باشیم شاید سرنوشت عملیات خبیر عوض می‌شد. در والفجر ۸ قدماتی هم به همین شکل بود. آن زمان آن‌قدر از لحاظ امکانات و تدارکات در فشار بودیم که حتی به فکرمان نمی‌رسید که می‌توانیم این‌گونه کار کنیم. بعد از اینکه فشارها بیشتر شد اراده‌ها

حرف اول را می‌زند و این میراث خون‌های شهیداست.

در پایان اگر از شهدای غواص خاطره و مطلبی دارید بر ایمان بگویید.

گاهی برخی افراد به من می‌گویند شهیدا از درس و تحصیل خسته شده بودند و به همین دلیل به جبهه رفتند. مروی بر زندگی شهیدا خلاف چنین گفته‌ای را ثابت می‌کند. شهید محمودزاد دستاکی از خانواده‌ای بزرگ و شهید پرور روحانی به جبهه آمده بود. او یک نابغه علمی با نمرات بالا و ممتاز بود. شهید گریزی نژاد بچه درفول بود. شهید رهنما بچه اهواز و بچه تیمی بود که داده بالای در درس داشت. داستان زندگی شهید رهنما فوق‌العاده شنیدنی است. او به عنوان تک پسر و سرپرست خواهرهایش به جبهه آمده بود. چند روز قبل از عملیات که دیگر مرخصی هوش بالایی در درس داشت. داستان زندگی شهید رهنما فوق‌العاده شنیدنی است. او به عنوان تک پسر و سرپرست خواهرهایش به جبهه آمده بود. چند روز قبل از عملیات که دیگر مرخصی داده نمی‌شد مرتب می‌گفت کاری دارم و باید به اهواز بروم و بیایم. با من ارتباط خوبی داشت ولی من دیگر نیروها را تحویل یگان داده بودم. وقتی فهمید نمی‌تواند مرخصی بگیرد ناپدید شد. خیلی‌ها می‌گفتند او فرار کرده و ما چند روز دیگر می‌خواهیم به منطقه برسیم. من می‌گفتم مطمئن



عملکرد

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید

شهید